

محمد شریفی

فرهنگ ادبیات فارسی

(ویراست دوم)

فہرست آنلائیں

هذا استاد

ویراستار
پله فناخیلخ تمس

محمد ضا حفظ

ساقیہ بنی اسرائیل
www.saqiyah.com

فرهنگ نشنو

با همکاری انتشارات آسیم

تهران، ۱۳۹۶



در فرهنگ عاوه آب مایه روشنایی و برکت و سلامت و خوشی و پاکی است و آن را مهریه فاطمه (س) می‌دانند. عقیده بر این است آب داغ را نباید روی زمین ریخت چون پر و بال پریان و جنیان را می‌سوزاند و اگر کسی ناگزیر از این کار شود باید بسم الله بگوید. آتش را نیز نباید با آب خاموش کرد و اقوام مختلف ایرانی تبعات مختلفی برای آن قائل شده‌اند. روی سگ و گربه نیز نباید آب پاشید. همچنین مشهور است که خواب آشفته را قبل از هر کسی باید برای آب تعریف کرد.

صوفیه آب را با نفس ملهمه آدمی (متاثر از الهام اله) تطبیق داده‌اند.

نیز نگاه کنید به **گاو و ماهی**

آباء (=پدران) یا آباء سبعه یا آباء غلوی از نظر قدما همان افلاک (نگاه کنید به فلک) بود از جهت تأثیراتی که در عالم عناصر و تکوین موالید برای آنها قائل بودند. اهم آنها هفت فلک است (آباء سبعه: به ترتیب هاه یا قمر، تیر یا عطاره، تاهید یا زهره، آفتاب یا خورشید (۱) یا شمس، برجیس یا مشتری، بهرام یا مریخ، کیوان یا زحل) و معتقد بودند که از ازوای این هفت فلک {مردان غلوی} با چهار عنصر (۱) که به آنها «امهات سفلی» می‌گفتند، موالید ثالث به وجود آمد (این موالید را که نیست شمار/ از پدر گفت، مادر چار - مختاری غزنوی || تارتیب کنند سه فرزند کون را/ ترکیب چار مادر و تأثیر نه پدر - انوری (۱)); و بنابر این انسان نیز فرزند همین پدر و مادر است.

در شعر و ادب فارسی با عنوانین دیگری چون {آباء اثیری، افلاک سبعة، هفت آباء} نیز آمده است

آب اسکندر نگاه کنید به آب حیات

نگاه کنید آن را از حیات نهاد که این آن اعلیٰ در میان دنیا و

جبله خلابین بدل می‌کند اینه که را می‌نماید

که اینه که را می‌نماید که اینه که را می‌نماید

و اینه که را می‌نماید که اینه که را می‌نماید

و اینه که را می‌نماید که اینه که را می‌نماید

و اینه که را می‌نماید که اینه که را می‌نماید

و اینه که را می‌نماید که اینه که را می‌نماید

و اینه که را می‌نماید که اینه که را می‌نماید

و اینه که را می‌نماید که اینه که را می‌نماید

و اینه که را می‌نماید که اینه که را می‌نماید

و اینه که را می‌نماید که اینه که را می‌نماید

و اینه که را می‌نماید که اینه که را می‌نماید

و اینه که را می‌نماید که اینه که را می‌نماید

و اینه که را می‌نماید که اینه که را می‌نماید

و اینه که را می‌نماید که اینه که را می‌نماید

و اینه که را می‌نماید که اینه که را می‌نماید

و اینه که را می‌نماید که اینه که را می‌نماید

و اینه که را می‌نماید که اینه که را می‌نماید

و اینه که را می‌نماید که اینه که را می‌نماید

و اینه که را می‌نماید که اینه که را می‌نماید

و اینه که را می‌نماید که اینه که را می‌نماید

و اینه که را می‌نماید که اینه که را می‌نماید

و اینه که را می‌نماید که اینه که را می‌نماید

آف نگاه کنید به ردیف آیه

آب یکی از چهار عنصر (۱) است که قدمًا آن را صاحب طبیعت تَر و سرد می‌دانستند.

بنابر معتقدات زرده‌شی، آب منشأ زمین و همه هستی مادی است و حیات هر چیز وابسته به آن است. وظیفه نگیبانی آب بر عهده خود دارد. همچنین آب نماد خرد است زیرا اهورمزدا - مینوی افزونی، دادار جهان مادی - خرد همه آگاهی را به پیکر آب بر دست زرده‌شی و راگفت که از آن بخور.

بنابر روایات اسلامی و نص قرآن، آب منشأ حیات است (۳۰) و جهان یا عرش الهی بر آب شناور فرض شده است (۶۰) و نیز عقیده بر این بود که خروب خورشید در آب است (کهف، ۶) و این اعتقاد در ادب و شعر فارسی نیز منعکس است.

مصطفیر ابن طاهر مُقْدِسی در آفرینش و تاریخ (به ترجمه غیض کدکنی) به نقل از کتاب ابن حُذَیفَه می‌نویسد: «خدای تعالی چون خواست آب را بیافریند یاقوتی سبز از نور بیافرید. پس خداوند جتار لحظه‌ای در آن تگریست. به گونه آبی در آمد که هرنگ هرنگ (=موج) می‌زد و در هیچ پایاب و ژرفابی ثابت نمی‌ماند، از یعنی خدای تعالی می‌لرزید. سپس خدای باد را آفرید و آب را بر پشت باد نهاد. سپس عرش را آفرید و بر پشت آب

همچنین در ادب فارسی، آب نماد آبادانی، تابناکی و روشی، فیض الهی، و کدایه از آبرو، لطفات و تازگی، روح و رونق، نطفه آدمی، اشک، شادابی، و جز اینها است و در بسیاری از ترکیبات در کنایه از می و شراب یه کار رفته است (برای این ترکیبات نگاه کنید به شواب).